

نَظْمُ لَامِيَةِ الْأَفْعَالِ

تأليف:

ابن مالک، جمال الدين ابو عبدالله

وفات:

سال ۶۷۲ هجری قمری

ترجمه و شرح:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریه

جزیره قشم – گیاهدان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

في أُبْنِيَّةِ مَا زَادَ عَلَى الثَّلَاثِيَّ

٧٨. بِكَسْرِ ثَالِثِ هَمْزِ الْوَصْلِ مَصْدَرُ فِعْ لِي حَازَهُ مَعَ مَدٍّ مَا الْأَخِيرُ تَلَا
 ٧٩. وَاضْمُهُ مِنْ فِعْلِ الثَّالِثِ زَيْدٌ أَوْلَاهُ وَاكْسِرُهُ سَابِقَ حَرْفٍ يَقْبَلُ الْعِلَالَا
 ٨٠. لِفَعْلَلٍ ائْتِ بِفِعْلَالٍ وَفَعْلَلَةٍ وَفَعَّلَ اجْعَلْ لَهُ التَّفْعِيلَ حَيْثُ خَلَا
 ٨١. مِنْ لَامٍ اِغْتَلَّ لِلْحَاوِيَةِ تَفْعِلَةٌ الزَّمُ وَاللِّعَارِ مِنْهُ رَبَّمَا بُدِلَا
 ٨٢. وَمَنْ يَصِلُ بِتَفْعَالٍ تَفَعَّلَ وَالْ فِعْعَالٌ وَفَعَّلَ فَاحْمَدُهُ بِمَا فَعَعَلَا
 ٨٣. وَقَدْ يُجَاءُ بِتَفْعَالٍ لِفَعْلٍ فِي تَكْثِيرِ فِعْلِ كَتَسْيَارٍ وَقَدْ جُعِلَا
 ٨٤. مَا لِلثَّلَاثِيَّ فِعْعِلَى مُبَالِغَةً وَمِنْ تَفَاعَلٍ أَيْضًا قَدْ يُرَى بَدَلَا
 ٨٥. وَبِالْفُعْلَيْلَةِ افْعَلَلَّ قَدْ جَعَلُوا مُسْتَغْنِيًا لَا لُزُومًا فَاعْرِفِ الْمُثْلَا
 ٨٦. لِفَاعَلٍ اجْعَلْ فِعْعَالًا أَوْ مُفَاعَلَةً وَفِعْلَةً عَنْهَا قَدْ نَابَ فَاحْتِمِلَا
 ٨٧. مَا عَيْنُهُ اِغْتَلَّتِ الْإِفْعَالُ مِنْهُ وَالْإِسْمُ تَفْعَعَالٍ بِالثَّالِثَا وَتَعْوِيضٌ بِهَا حَصَلَا
 ٨٨. مِنَ الْمَزَالِ وَإِنْ تُلْحَقُ بِغَيْرِهِمَا تَبِنَ بِهَا مَرَّةً مِنَ الَّذِي عُمِلَا
 ٨٩. وَمَرَّةً الْمَصْدَرِ الَّذِي تَلَازِمُهُ بِذِكْرِ وَاحِدَةٍ تَبْدُو لِمَنْ عَقَلَا

۸۳. وَقَدْ يُجَاءُ بِتَفْعَالٍ لِفَعْلٍ فِي تَكْثِيرِ فِعْلِ كَتَسْيَارٍ وَقَدْ جُعِلَا
 ۸۴. مَا لِلثَّلَاثِيِّ فِعْيَالِي مَبَالِغَةٌ وَمِنْ تَفَاعَلٍ أَيْضًا قَدْ يُرَى بَدَلًا

۸۳. وَقَدْ يُجَاءُ بِتَفْعَالٍ لِفَعْلٍ فِي تَكْثِيرِ فِعْلِ كَتَسْيَارٍ

گاهی برای (باب) فَعَّلَ در تکثیر حدث، (مصدر بر وزن) تَفْعَالِ آمده است. مانند: تَسْيَار.

شرح:

برای مبالغه‌ی مصدر از باب فَعَّلَ از عرب تَفْعَالِ شنیده شده که سماعی است. مانند:
 طَوَّفَ تَطَوَّفًا - سَيَّرَ تَسْيَارًا - جَوَّلَ تَجْوَالًا.

۸۳. وَقَدْ جُعِلَا

۸۴. مَا لِلثَّلَاثِيِّ فِعْيَالِي مَبَالِغَةٌ

و همانا برای ثلاثی مجرد (مصدر) فِعْيَالِي برای مبالغه قرار داده شده (که سماعی است).
 مانند: خَصَّ خَصِّصِي - حَثَّ حَثِّي.

در اثر از امیرالمؤمنین عمر رضی الله عنه روایت شده: لَوْلَا الْخَلِيفِي لَأَذَّنْتُ: اگر خلافت
 نبود من مؤذن بودم.

۸۴. وَمِنْ تَفَاعَلٍ أَيْضًا قَدْ يُرَى بَدَلًا

و از (باب) تَفَاعَلٍ همچنین (برای مبالغه، مصدر سماعی فِعْيَالِي) بدل (مصدر قیاسی
 تَفَاعُلٍ) دیده شده است.

مانند: تَرَامَى الْقَوْمُ رَمِيًّا: به یکدیگر زیاد شلیک کردند.

۸۵. وَبِالْفُعْلِيَّةِ افْعَلَلَّ قَدْ جَعَلُوا مُسْتَغْنِيًّا لَا لُزُومًا فَاغْرِبِ الْمُثَلًّا
 ۸۶. لِفَاعِلٍ اجْعَلْ فِعَالًا أَوْ مُفَاعَلَةً وَفِعْلَةً عَنْهَا قَدْ نَابَ فَاخْتِمَلًا

۸۵. همانا (عرب) برای (باب) افْعَلَلَّ (مصدر سماعی) فُعْلِيَّة را قرار داده است. برای بی‌نیازی از (مصدر قیاسی افْعَلَّل) نه برای لزوم (یعنی قیاسی نیست). پس مثال‌های (قیاسی و سماعی) را بشناس.

مانند:

اقْشَعَّرَ مصدر قیاسی آن: اقْشَعَّرَارًا. مصدر سماعی آن: قُشَعْرِيرَةً
 اظْمَنَّ مصدر قیاسی آن: اظْمِنْتَانًا. مصدر سماعی آن: طُمَأْنِينَةً

۸۶. برای (باب) فَاعِلٍ (مصدر قیاسی) مُفَاعَلَةٌ و فِعَالٍ قرار بده. و گاهی احتمال دارد (مصدر سماعی) فِعْلَةٌ به نیابت از آن دو بیاید.

شرح:

برای باب فَاعِلٍ دو مصدر قیاسی وجود دارد: مُفَاعَلَةٌ و فِعَالٍ. مانند: قَاتَلَ مُقَاتَلَةً و قِتَالًا - جَادَلَ مُجَادَلَةً و جِدَالًا - نَزَعَ مُنَازَعَةً و نِزَاعًا
 مصدر سماعی این باب فِعْلَةٌ می‌باشد. مانند: مَرَاهُ: مصدر قیاسی آن: مُمَارَاهٌ و مِرَاءٌ. مصدر سماعی آن: مِرْيَةٌ.

نکته ۱: ظاهر کلام ابن مالک رحمه الله می‌رساند که فِعْلَةٌ مصدر حقیقی برای باب فَاعِلٍ است اما این‌گونه نیست بلکه مشهور این است که اسم مصدر است.

نکته ۲: ظاهر کلام ابن مالک رحمه الله می‌رساند که برای این باب، دو مصدر مُفَاعَلَةٌ و فِعَالٍ قیاسی‌اند و در الفیه‌ی ایشان نیز چنین آمده است: لِفَاعِلٍ الْفِعَالُ وَالْمُفَاعَلَةُ.

اما از سیبویه نقل شده که مصدر قیاسی این باب فقط مُفَاعَلَةٌ است لا غیر. دلیل سیبویه این است که: برای این باب، عرب هرگز مصدر مُفَاعَلَةٌ را ترک نگفته اما مصدر فِعَالٍ را ترک گفته است. پس خود دلیل واضحی است که مُفَاعَلَةٌ قیاسی و فِعَالٍ سماعی است.

نکته ۳: در این باب، فعل‌هایی که فاء الفعل آن‌ها یائی است فقط یک مصدر و آن هم مُفَاعَلَةٌ دارند. مانند: يَاسِرُهُ مِيَّاسِرَةٌ - يَامَنُهُ مِيَّامَنَةٌ. اما بر وزن فِعَالٍ نیامده زیرا کسره بر

یاء سنگینی می‌کند به همین علت، از عرب شنیده نشده که **يَسَارًا** و **يَمَانًا** بگویند مگر آن چه نادر نقل شده همان‌گونه که ابن سیده از قول عرب نقل کرده: **يَاوَمَهُ مُيَاوَمَةٌ وَّ يَوْمًا**.
نکته ۴: برای باب **فَاعَلَ** مصدر سماعی دیگری نیز از عرب شنیده شده که ناظم رحمه الله آن را ذکر نکرد و آن مصدر **فِيَعَال** است. مانند: **ضَارَبَ ضَيْرَابًا - قَاتَلَ قَيْتَالًا**

۸۷. مَا عَيْنُهُ اَعْتَلَّتْ الْاِفْعَالُ مِنْهُ وَالْاِسْمُ تِفْعَالٌ بِالتَّاءِ وَتَعْوِيضٌ بِهَا حَصَلًا

۸۸. مِنَ الْمُرَالِ وَإِنْ تُلْحَقَ بِغَيْرِهِمَا تَبْنُ بِهَا مَرَّةً مِنَ الَّذِي عُمِلَا

۸۷. مَا عَيْنُهُ اَعْتَلَّتْ الْاِفْعَالُ مِنْهُ وَالْاِسْمُ تِفْعَالٌ بِالتَّاءِ وَتَعْوِيضٌ بِهَا حَصَلًا

۸۸. مِنَ الْمُرَالِ

آن چه بر عین الفعل آن اعلال واقع شد (مصدر قیاسی) باب اِفْعَال و اِسْتِفْعَال از آن با (اضافه کردن) تاء می شود. و با آن (تاء)، جایگزینی از حذف حاصل می شود.

شرح:

جهت ساختن مصدر از دو باب اِفْعَال و اِسْتِفْعَال که عین الفعل آن ها حرف عله داشته باشد، مانند: اِقْوَام و اِسْتِقْوَام، از روش زیر بهره می گیریم:

واو، متحرک و قبل از آن حرف صحیح ساکن قرار دارد پس فتحه را به حرف قبل انتقال داده و خودش را ساکن می گردانیم، می شود: اِقْوَام و اِسْتِقْوَام.

واو، ساکن شده و قبل از آن فتحه واقع شده در نتیجه واو به الف قلب می شود: اِقَام و اِسْتِقَام. در این مرحله التقاء ساکنین حادث می شود برای رهایی از آن، یکی از دو الف را حذف می نماییم زیرا الف همیشه ساکن است، می شود: اِقَام و اِسْتِقَام.

عوض حذف الف، تاء را به آخر آن اضافه می کنیم، می شود: اِقَامَة و اِسْتِقَامَة.

مثال برای باب اَفْعَل: اَعَانَ اِعَانَةً - اَبَانَ اِبَانَةً - اَقَالَ اِقَالَةً - اَمَالَ اِمَالَةً - اَطَاعَ

اِطَاعَةً.

مثال برای باب اِسْتِفْعَال: اِسْتَعَانَ اِسْتِعَانَةً - اِسْتَطَاعَ اِسْتِطَاعَةً - اِسْتَفَادَ اِسْتِفَادَةً.

نکته ۱: در مصدر مانند: اِقَامَة و اِسْتِقَامَة، نزد خلیل و سیبویه، الف زائد، محذوف است زیرا حذف حرف زائد اولی تر از حذف اصلی است. به این ترتیب وزن این دو چنین می شود: اِفْعَلَةٌ و اِسْتِفْعَلَةٌ.

اما نزد أخفش و فراء محذوف، حرف اصلی است که در این دو مثال، واو است. زیرا حرف زائد برای دلالت معنای باب اِفْعَال و اِسْتِفْعَال آورده شده است به همین علت آن را حذف نمی کنیم تا این دلالت معنایی از بین نرود. به این ترتیب وزن آن: اِفَالَةٌ و اِسْتِفَالَةٌ می شود.

نکته ۲: گاهی در مصادری همانند: "إِقَامَةٌ وِ اسْتِقَامَةٌ" تاء حذف می‌شود که سماعی است و این حذف، زمانی زیاد رخ می‌دهد که آن مصدر، مضاف واقع شود. مانند: أَقَامَ إِقَامًا - اسْتَعَاذَ اسْتِعَاذًا. قیاس این مثال‌ها می‌شود: إِقَامَةٌ - اسْتِعَاذَةٌ

در قران کریم آمده: وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ. سوره انبیاء، آیه ۷۳

۸۸. وَإِنْ تُلْحَقْ بِغَيْرِهِمَا تَبِنٌ بِهَا مَرَّةٌ مِنَ الَّذِي عُمِلَا

و اگر به غیر از این دو (باب) تاء ملحق شود. با این (تاء) از آن فعلی که انجام گرفته (معنای) مَرَّةً ظاهر می‌شود.

شرح:

در مورد مصدر مَرَّةً قبلاً خواندیم که از ثلاثی مجرد بر وزن فَعْلَةٌ می‌آید و بر یک بار انجام گرفتن کاری دلالت می‌دهد، مانند: ضَرَبَ ضَرْبَةً.

برای ساختن اسم مَرَّةً از غیر از ثلاثی مجرد، فقط به مصدر آن تاء اضافه می‌کنیم. مانند: أَكْرَمَهُ إِكْرَامَةً: او را یک بار گرامی داشت. عَلَّمَهُ تَعْلِيمَةً: او را یک بار آموخت.

۸۹. وَمَرَّةُ الْمَصْدَرِ الَّذِي تُلَازِمُهُ بِذِكْرِ وَاحِدَةٍ تَبْدُو لِمَنْ عَقَلًا

۸۹. و مصدر مَرَّةً که تاء ملازم آن است با بیان وَاحِدَةً ظاهر می‌گردد برای کسی که عاقل است.

شرح:

جهت دلالت دادن بر مصدر مَرَّةً از مصادری همانند: إِقَامَةٌ و اسْتِقَامَةٌ که تاء به همراه خود دارند با وصف (وَاحِدَةً) آن را مشخص می‌کنیم. مانند:

أَقَامَ إِقَامَةً وَاحِدَةً - أَعَانَ إِعَانَةً وَاحِدَةً

اسْتَقَامَ اسْتِقَامَةً وَاحِدَةً - اسْتَعَانَ اسْتِعَانَةً وَاحِدَةً